

کشورها و نسبت ذخایر به تولید این سازمان و سپس پیش‌بینی‌هایی در مورد تولید آینده‌ی اوپک ارائه می‌گردد. در پایان، بر اساس آمار و واقعیت‌های موجود، به شرایط حاکم بر بازار جهانی نفت و نقش اوپک پرداخته شده است.

ذخایر نفت خام اوپک

ذخایر اثبات شده کشورهای عضو اوپک از سال ۱۹۷۸ تا سال ۱۹۹۸، با اکتشافات جدید، روندی صعودی داشته و از ۴۱/۸ میلیارد بشکه به ۸۰/۵ میلیارد بشکه (با ۸۱ درصد رشد) افزایش یافته است. با توجه به نمودار شماره (۱) سهم اوپک از ذخایر اثبات شده جهانی عموماً روندی صعودی داشته و هیچگاه این سهم از ۶۸ درصد کل ذخایر جهان کمتر نبوده است. به عبارت دیگر ذخایر اثبات شده اوپک، بخش عمده‌ای از ذخایر اثبات شده جهانی را تشکیل می‌دهد که همین نشان‌دهنده موقعیت اوپک در جهان انرژی و همچنین محکمتر شدن جایگاه آن به واسطه افزایش ذخایر اثبات شده آن می‌باشد.

تولید نفت خام اوپک

تولید اوپک از ۱۴/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۶۵ بارونندی صعودی، به ۳۰/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۳ افزایش و در سال ۱۹۷۵ به دلیل تحریم نفتی اعراب به ۲۷/۱ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. این میزان در سال ۱۹۷۹ با نوساناتی، به ۳۱/۲ میلیون بشکه سرزد ولی بعد از آن به دلیل وقوع انقلاب اسلامی ایران و کاهش شدید صادرات و همچنین جنگ عراق با ایران و سیاست‌های اوپک برای حفظ قیمت‌ها، به شدت کاهش یافت، به نحوی که در سال ۱۹۸۵ به پایین‌ترین سطح پس از سال ۱۹۶۷ یعنی ۱۶/۷ میلیون بشکه در روز رسید (نمودار شماره ۲) ولی مجدداً روندی صعودی پیدا کرد و در سال ۱۹۹۸ به ۳۰/۷ میلیون بشکه افزایش یافت. با توجه به نمودار شماره (۳) سهم اوپک از تولید جهانی نفت (مگر در سال ۱۹۸۵) هیچ‌گاه کمتر از ۳۰ درصد نبوده و در تمام دوره ۱۹۹۸-۱۹۶۵ تنها در چهار سال ۱۹۷۴-۷۴ و ۱۹۷۶ و ۱۹۷۶ بیش از ۵۰ درصد تولید جهانی را در اختیار داشته است.

در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ (مطابق با شهریور ۱۳۳۹) در پاسخ به نیاز مشترک کشورهای صادرکننده نفت خام، در اجلاس بغداد و با حضور نمایندگان دولتهای ایران، ونزوئلا، کویت، عربستان و عراق، پایه سازمانی به نام سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپک گذاشته شد که از بدو تشکیل به عنوان یک سازمان بین‌المللی متعلق به کشورهای در حال توسعه، مورد توجه قرار گرفت. اعضای فعلی این سازمان غیر از پایه‌گذاران شامل کشورهای الجزایر، اندونزی، لیبی، نیجریه، قطر و امارات متحده عربی می‌باشند. این سازمان طی عمر ۴۰ ساله خود ماجراها و حوادث متعددی (از جمله جنگ اعراب و اسرائیل، درگیری نظامی میان اعضا، کودتاها و انقلابها، همکاری و مقابله با شرکتها و غارتگران نفتی بین‌المللی) را تجربه نموده است.

در طول این چهار دهه، شرایط اقتصادی و سیاسی جهان دچار تغییرات شگرفی شده (از ایجاد نظام تک‌قطبی تا ایجاد انحصارات جدید ناشی از ادغام شرکت‌های بزرگی چون BP و آموکو و در نهایت، جهت‌گیری اقتصادی به سمت جهانی شدن) اما اوپک در قبال این تحولات عظیم همچنان به حیات خود ادامه داده است. پرسش مهم در مورد اوپک این است که چگونه این سازمان توانست در برهه‌هایی از زمان بر بازار نفت تأثیر گذارد و باعث جهش بسیار سریع و تعدیل قیمت‌های جهانی نفت شود ولی در دوره‌های دیگر عملاً منفعلانه برخورد نموده و قدرت چندانی نداشته است.

چه فرایندی باعث اقتدار اوپک بوده است؟ آیا شرایط و امکان تداوم اقتدار آن همچنان باقی است یا اوپک بایستی این پدیده را موقتی تلقی کند و به عنوان سازمانی منفعل و ناکارآمد عمل نماید؟ در این مقاله تلاش گردیده است که با تحلیل شرایط گذشته و وضعیت موجود اوپک و با توجه به پیش‌بینی‌های انجام شده، چشم‌اندازی واقعی از قدرت آینده اوپک ارائه گردد.

در ابتدا به منظور بیان امکانات بالقوه و بالفعل اوپک برای تسخیر بازار، تحلیل مختصری در مورد ذخایر اثبات شده کشورهای عضو اوپک، تولید این

قدرت اوپک در بازار جهانی نفت

- دکتر علی امامی میبیدی

عضو هیئت علمی دانشگاه

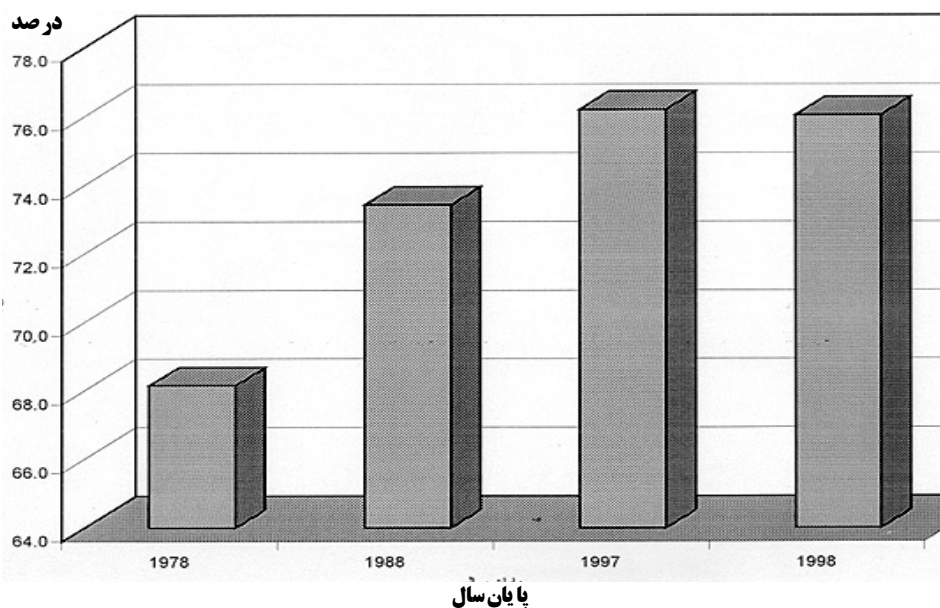
علامه طباطبایی

- مرتضی بهروزی فر

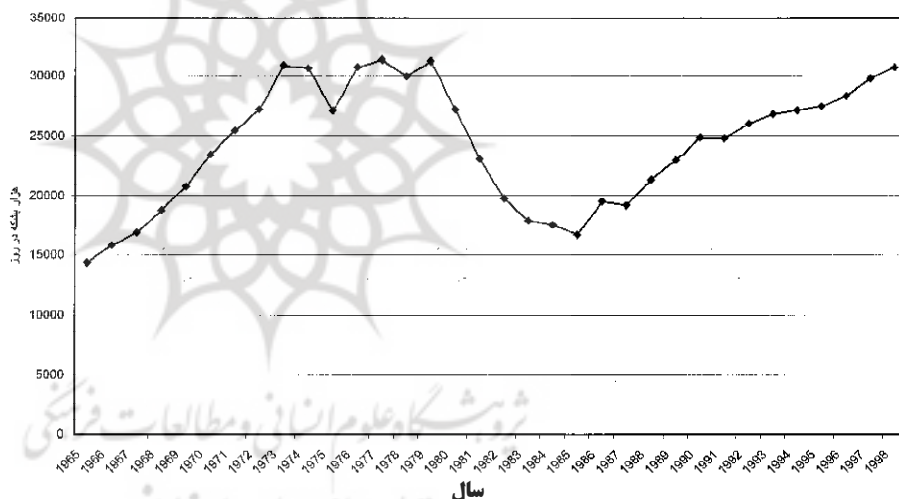
ویرایش از بخش پژوهش و

ترجمه ماهنامه

○ ذخایر اثبات شده کشورهای عضو اوپک از سال ۱۹۷۸ تا سال ۱۹۹۸ با اکتشافات جدید، روندی صعودی داشته و با ۸۱ درصد رشد، از ۴۴۱/۸ میلیارد بشکه به ۸۰۰/۵ میلیارد بشکه رسیده است.



نمودار شماره ۲: تولید نفت خام اوپک



۱۹۷۱-۷۹، نسبت ذخایر به تولید جهانی (R/P)، روندی نزولی داشت و از ۳۵ سال به ۳۰ سال تقلیل یافت ولی پس از آن به دلیل استفاده گسترده از تکنولوژی پیشرفته و افزایش نرخ باز یافت منابع نفتی و اقتصادی شدن تولید در حوزه‌هایی که قبلاً استخراج از آنها غیر اقتصادی بود، نسبت ذخایر به تولید جهانی از ۳۰ سال به ۴۱ سال افزایش یافته است.

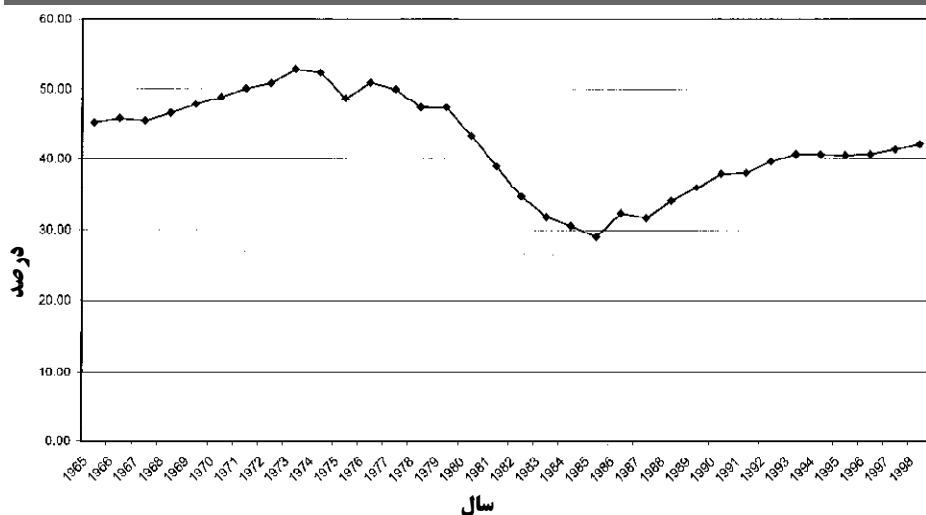
همانگونه که از نمودار شماره (۴) نیز برمی آید، نسبت تولید به ذخایر جهانی پس از سال ۱۹۷۸ در سطحی تقریباً ثابت (۴۰ سال) باقی مانده است ولی

همانگونه که از نمودار (۳) مشاهده می‌شود سهم بازار اوپک تقریباً تا سال ۱۹۷۳، افزایش یافته و پس از آن سیری نزولی را آغاز نموده و در سال ۱۹۸۵ به کمترین مقدار خود (۲۹/۱۱ درصد سهم بازار) رسیده است ولی پس از آن تقریباً سیری صعودی را تجربه نموده بطوری که در سال ۱۹۹۸ این سازمان، ۴۲ درصد سهم بازار را از آن خود کرده است.

نسبت ذخایر به تولید نفت خام جهانی

با توجه به جدول شماره (۴)، طی دوره

نمودار شماره ۳: سهم اوپک از تولید جهانی نفت خام



۶۹ درصد در اول ژانویه ۱۹۹۸ افزایش یافته است. در ضمن، بهره‌برداری از ذخایر نفت اعضای خاورمیانه‌ای اوپک، به میزان قابل توجهی از هر جای دیگر جهان، اقتصادی تر است.

این نسبت برای اوپک با نوساناتی همراه بوده و در سال ۱۹۸۸ بیش از دو برابر نسبت جهانی یعنی ۸۶ سال بوده است (البته دلیل این افزایش شدید نسبت R/P، کاهش تولید اوپک می‌باشد).

برای بررسی وضعیت اوپک در آینده می‌بایستی بر آوردی از تقاضای جهانی نفت و تولید آن توسط کلیه عرضه‌کنندگان جهانی داشته باشیم. بر این اساس، با توجه به پیش‌بینی‌های موجود، در مورد تولید اوپک در سال ۲۰۱۰، موقعیت اوپک را در پایان دهه جاری بررسی می‌نماییم.

پیش‌بینی تولید نفت خام اعضای خاورمیانه‌ای اوپک

۸ کشور از ۱۱ کشور عضو اوپک (الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، قطر، عربستان و امارات متحده عربی) که اکثراً در خاورمیانه واقع شده‌اند، سهم قابل توجهی (۷۸ درصد) از تولید این سازمان را در اختیار دارند. اهمیت این سهم باعث شده است که وقایع خاورمیانه بر سطح قیمت‌های نفت مؤثر باشد. برای نمونه در سال ۱۹۷۳ جنگ اعراب و اسرائیل باعث افزایش شدید و فوری قیمت‌های نفت شد و پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) قیمت‌ها باز هم افزایش بیشتری یافت.

دلیل عمده اهمیت اوپک در بازار، ناشی از این امر است که کشورهای خاورمیانه‌ای عضو آن، سهم عمده‌ای از ذخایر اثبات شده جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. در حقیقت این سهم به صورت مداوم از ۶۰ درصد در اول ژانویه ۱۹۸۷ به

جدول شماره ۱

سهم اعضای خاورمیانه و آفریقای شمالی اوپک از ذخایر اثبات شده جهانی ۱۹۷۷-۹۸

سال	درصد
۱۹۷۷	۶۳/۰
۱۹۸۷	۶۰/۰
۱۹۹۶	۶۷/۵
۱۹۹۷	۶۷/۸
۱۹۹۸	۶۹/۰

مأخذ: BP Amoco Statistical

با توجه به مطالعات توماس استوفر (Thomas Stauffer) تحلیل‌گر آمریکایی نفت، تولید هر بشکه نفت خشکی در ایران، ابوظبی، عراق، کویت و عربستان سعودی ۱ تا ۴ دلار هزینه در بردارد. این رقم که با توجه به بازده چاه برآورد شده، شامل هزینه‌های اکتشاف، ارزیابی و توسعه و نرخ بازگشتی حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد می‌باشد. در مقابل، این هزینه‌ها در دریای شمال ۱۲ تا ۲۰ دلار در هر بشکه، در غرب تگزاس ۱۷ تا ۱۹ دلار و در کانادا بیش از ۱۹ دلار می‌باشد. در عین حال، هزینه ایجاد یک بشکه ظرفیت تولید اضافی، در شش کشور عضو اوپک، در منطقه خلیج فارس (ایران، عربستان، عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر) بسیار کمتر از هر نقطه دیگری در جهان است.

○ ذخایر اثبات شده اوپک بخش عمده‌ای از ذخایر اثبات شده جهانی را تشکیل می‌دهد که همین نشان‌دهنده موقعیت این سازمان در جهان انرژی و نیز محکم‌تر شدن جایگاه آن به واسطه افزایش ذخایر اثبات شده‌اش می‌باشد.

برای نمونه، این هزینه در عراق کمتر از ۵ هزار دلار در هر بشکه و در ایران در حدود ۶ هزار دلار می‌باشد.

در کل، این هزینه در خلیج فارس حدود ۳ هزار دلار برای هر بشکه ظرفیت تولید اضافی است که در مقایسه با سایر تولیدکنندگان اصلی غیر اوپک، نظیر دریای شمال و آمریکای شمالی، بسیار کمتر است.

با این حال و با وجود تمامی مزایای منابع و هزینه‌های موجود، هشت کشور یاد شده عضو

اوپک، بویژه در مقایسه با سایر کشورهایایی که وضعیت مشابهی در زمینه فعالیت خود دارند (مثلاً سازمان Debeers در زمینه الماس)، از توانایی‌های مسلّم خود برای کنترل بازار نفت استفاده نمی‌کنند.

این مسئله با توجه به سهم هشت کشور عضو اوپک از تولید جهانی نفت در سالهای اخیر مستفاد می‌شود، زیرا این سهم در سال ۱۹۹۷ در حدود ۳۰ درصد بوده است که کمتر از دو سوم حداکثر تولید اوپک در اواسط و اواخر دهه ۱۹۷۰ می‌باشد و

○ نسبت تولید به ذخایر نفت در کل جهان پس از سال ۱۹۷۸ تقریباً در سطح ۴۰ سال ثابت مانده حال آنکه این نسبت برای اوپک در سال ۱۹۸۸ بیش از دو برابر نسبت جهانی یعنی برابر ۸۶ سال بوده است.

جدول شماره ۲

هزینه کل تولید نفت خام - ۱۹۹۶

دلار بر هر بشکه

کشور	هزینه	کشور	هزینه
ایران	۱-۲	عمان	۳-۵
عراق	۱-۲	آلاسکا	۵-۸
عربستان سعودی	۱-۲	اندونزی	۵-۸
کویت	۲-۳	ابوظبی (دریایی)	۵-۱۰
ابوظبی (خشکی)	۳-۴	روسیه	۵-۱۰
لیبی	۳-۵	گابن	۸-۱۵
مالزی	۳-۵	مصر	۱۰-۱۲
مکزیک	۳-۵	دریای شمال	۱۲-۲۰
نیجریه	۳-۵	تگزاس	۱۷-۱۹
ونزوئلا	۳-۵	کانادا	۱۹+

مأخذ: توماس استوفر

جدول شماره ۳

مقایسه تولید نفت خاورمیانه با تولید جهانی (شامل مایعات گازی) ۱۹۸۶-۱۹۹۶

میلیون بشکه در روز

سال	تولید اعضای خاورمیانه‌ای اوپک	تولید جهانی	درصد
۱۹۸۶	۱۴/۷۱	۶۰/۵۸	۲۴/۲
۱۹۸۷	۱۴/۵۳	۶۰/۷۲	۲۳/۹
۱۹۸۸	۱۶/۶۰	۶۳/۲۷	۲۶/۲
۱۹۸۹	۱۷/۷۸	۶۴/۲۰	۲۷/۷
۱۹۹۰	۱۹/۲۴	۶۵/۷۲	۲۹/۳
۱۹۹۱	۱۸/۷۴	۶۵/۳۲	۲۸/۷
۱۹۹۲	۲۰/۰۳	۶۵/۷۵	۳۰/۴
۱۹۹۳	۲۰/۶۷	۶۶/۰۱	۳۱/۳
۱۹۹۴	۲۰/۸۴	۶۶/۹۵	۳۱/۱
۱۹۹۵	۲۰/۹۶	۶۷/۸۵	۳۰/۹
۱۹۹۶	۲۱/۲۷	۶۹/۶۸	۳۰/۵

مأخذ: BP, Amoco Statistical

جدول شماره ۴

نسبت ذخایر نفت جهانی به تولید ۱۹۷۱-۱۹۹۸

۱۹۷۱	۳۵
۱۹۷۳	۳۱
۱۹۷۶	۳۰
۱۹۷۹	۳۰
۱۹۸۱	۳۲
۱۹۸۶	۳۳
۱۹۹۰	۴۰
۱۹۹۳	۴۰
۱۹۹۶	۴۰
۱۹۹۸	۴۱

مأخذ: BP Amoco Statistical

همچنین کمتر از نصف قدرت تولید این کشورها نسبت به ذخایر اثبات شده جهانی نفت است.

عوامل مؤثر بر کنترل بازار نفت

با توجه به مزایای قابل توجه هزینه‌ای و ذخایر عظیم اوپک به ویژه اعضای خاورمیانه‌ای آن، چه عاملی موجب عدم کنترل کامل این سازمان بر بازار جهانی نفت شده است؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان به سه عامل اصلی و مرتبط با یکدیگر اشاره نمود:

الف) عوامل سیاسی

یکی از مهمترین عوامل، سیاستهای منطقه‌ای و بین‌المللی است.

از سال ۱۹۷۸ تولید و توسعه ظرفیت تولید نفت اوپک در خاورمیانه بصورت مداوم و تحت تأثیر عوامل آشکار و مسلط سیاسی، محدود شده است.

برای نمونه، جنگ عراق با ایران در سالهای ۸۸-۱۹۸۰، تولید نفت ایران و عراق را در مجموع نسبت به حداکثر تولید در سالهای پیش از جنگ، ۲/۵ تا ۶/۵ میلیون بشکه در روز (بسته به شدت جنگ) کاهش داد.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ (به دلیل انفجار هوپیمای پان‌آمریکن بر فراز اسکاتلند) با تحریم سازمان ملل و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، تولید نفت لیبی حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت.

پس از آن به دنبال اشغال کویت توسط عراق در اوت ۱۹۹۰، تحریم‌های سازمان ملل، روزانه ۳ میلیون بشکه نفت عراق را از بازار خارج کرد و برنامه افزایش تولید عراق (رسیدن به سقف ۶ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۵) را با تأخیر مواجه ساخت.

نهایتاً، در سال ۱۹۹۶، تحریم کنگره ایالات متحده (داماتو)، در قالب تهدید به تحریم کشور ثالثی که در یک سال بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت ایران و لیبی سرمایه‌گذاری کند، از برخی سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع نفت و گاز این دو کشور جلوگیری نمود.

○ ۸ کشور از ۱۱ کشور عضو اوپک که اکثر آدر خاورمیانه واقع شده‌اند ۷۸ درصد تولید این سازمان را در اختیار دارند. همین سبب شده است که وقایع خاورمیانه بر سطح قیمت‌های نفت مؤثر باشد.

ب) شرایط اقتصاد داخلی کشورهای اوپک دومین و مهم‌ترین دلیل برای تداوم ناکامی این کشورها، در مورد کنترل بهتر بازارهای جهانی نفت، این است که این کشورها عمدتاً در بازسازی سیستم‌های اقتصادی و سیاسی داخلی خود عملکرد ضعیفی دارند.

مشکل اصلی، تمرکز شدید در کشورهای کوچکتر حوزه خلیج فارس (کویت، قطر، و امارات متحده عربی) و عربستان می‌باشد. علیرغم نیاز مبرم به ابراز عقاید سازنده، این کشورها هنوز به ترویج سیستم‌هایی می‌پردازند که به دنبال یافتن سیاستهای تمرکزگرایی با اعطای منافع اقتصادی عظیم و دادن طیف وسیعی از یارانه‌هاست. تأثیر قطعی این اقدامات، تضعیف توانایی دولت برای اجرای سیاستهای صرفه‌جویانه کوتاه‌مدت و همچنین دستیابی به اهداف بلندمدت سیاسی و اقتصادی است.

در مقابل، ترس مزمز از بی‌ثباتی سیاسی، سیستم متمرکز اینگونه کشورها را از هر اقدامی باز داشته و تنها به اصلاحات سطحی اقتصادی بسنده شده است. در نتیجه، فرصت‌های قابل توجهی برای تقویت موقعیت این کشورها از دست رفته و در کل، اقتدار اوپک در تعیین جریان نفت مورد تهدید قرار گرفته است.

ج) پیشرفت تکنولوژی

سومین دلیل مهم، ارتقاء تکنولوژی به کار رفته

بعدي و ديگر تكنولوژيهاي جديد احتمالاً باعث خواهد شد كه با پشت سر گذاشتن ميزتهاي هزينه‌اي اويك، كل افزايش توليد دريايي ۱۰ کشور غير اويك طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۰ به ۵ ميليون بشكه در روز بالغ گردد.

گذشته از اين، چنين تكنولوژيهاي انقلابي، بويژه با استفاده از پيشرفته‌هاي تكنولوژی در آمريكا و كانادا، باعث افزايش عمر توليد حوزه‌هاي قديمی واقع در خشكي خواهد شد. برای مثال، در ايالات متحده آمريكا، طی دوره ۱۹۹۴-۱۹۷۷ هزينه اکتشاف در خشكي ۷ درصد افزايش يافت ولی با استفاده از تكنولوژيهاي جديد اين هزينه‌ها ۱۵ درصد کاهش يافته است كه نشان دهنده ۸ درصد سود در كل می باشد. اين موضوع حتی به کاهش هزينه‌هاي توسعه برای حوزه‌هاي حاشیة خشكي آمريكا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۰ اشاره دارد و نشان دهنده کاهش قدرت رقابت اويك است. در صورتی كه اويك نتواند فاصله خود را با جهان پيشرفته کاهش دهد، بتدریج اقتدار خود را از دست خواهد داد و اين سازمان از مزياي هزينه‌اي و ذخاير غني خود طرفی نخواهد بست. به نظر نگارندگان، مجهز نشدن به تكنولوژی جديد و برتر دنيا، مهمترين تهديد برای اقتدار اويك تلقی می شود.

در صنايع نفت (در خشكي و دريا) می باشد. از اوایل دهه ۱۹۸۰، هنگامي كه قيمت‌هاي نفت به ۳۰ دلار در هر بشكه نزديك شد و حتی از آن هم فراتر رفت، شرکتهای بين المللی نفتی انگیزه قدرتمندی برای سرمايه گذارهاي هنگفت در صنايع نفت و گاز به دست آوردند.

اين سرمايه گذارها به صورت قابل توجهی فعاليتهاي موازی شرکتهارابه منظور کاهش هزينه‌ها، ادغام نمود؛ فعاليتهايي كه پس از موفقيت، ميزت كم هزينه بودن منابع نفتی خليج فارس را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

در اين رابطه، توسعه نفت درياي شمال و خليج مکزیک به صورت قابل توجهی در دستور کار قرار گرفت، به نحوی كه با استفاده از حفاری افقی، لرزه نگاری سه بعدي و سيستم‌هاي توليد در بستر دريا و بهبود بازيافت مخازن، نرخ بازيافت افزايش يافته و نهايتاً باعث افزايش توليد شده است. کاربرد لرزه نگاری سه و چهار بعدي بويژه در درياي شمال و خليج مکزیک به صورت گسترده رايج شده است. با وجودی كه اين روش از روش قديمی (دوبعدي) گرانتر می باشد، اما برای شناسايی مخازن جديد بسيار مؤثرتر است به نحوی كه، نرخ موفقيت را (دستكم در خليج مکزیک) از ۴۲ درصد به ۷۰ درصد افزايش داده است. با توجه به مطالعات آژانس بين المللی انرژی، استفاده از لرزه نگاری سه

○ با توجه به مزياي قابل توجه هزينه‌اي و ذخاير عظيم اويك، بويژه اعضاي خاورميانه‌اي آن، سه دسته عوامل موجب عدم كنترل كامل اين سازمان بر بازار جهاني نفت شده است: عوامل سياسی، شرايط اقتصاد داخلی اعضا، و پيشرفت تكنولوژی.

جدول شماره ۵

حداكثر افزايش مورد انتظار توليد دريايي ۱۹۹۵-۲۰۰۰

کشور	۱۹۹۵	۲۰۰۰	تغيير
آنگولا	۰/۶	۰/۹	۰/۳
استراليا	۰/۵	۰/۷	۰/۲
آذربايجان	۰/۱	۰/۳	۰/۲
برزیل	۰/۵	۱/۳	۰/۸
چين	۰/۲	۰/۴	۰/۲
کنگو	۰/۲	۰/۴	۰/۲
مکزیک	۱/۹	۲/۵	۰/۵
نروژ	۲/۹	۳/۷	۰/۸
انگليس	۲/۷	۳/۵	۰/۸
آمريكا	۱/۴	۲/۴	۱/۰

مأخذ: IEA

کشورهای عضو اوپک: پیش‌بینی

ظرفیت تولید اوپک در ۲۰۱۰

ندارند، بویژه که گروه‌های اسلامی، دشمنی همیشگی خود را با شرکای غربی الجزایر اعلام نموده‌اند. سرمایه‌گذاران خارجی تحت تأثیر طبیعت انعطاف‌پذیر قوانین الجزایر در مورد هیدروکربورها قرار دارند که توافقات مشارکت در تولید تحت شرایط نسبتاً آزاد را مجاز می‌شمارد. در نتیجه الجزایر در خصوص آغاز نمودن پروژه‌های جدید هیدروکربوری طی سالهای ۹۶-۱۹۹۴ (علیرغم مشکلات سیاسی ادامه‌دار) پیشرو کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بود، هر چند چشم‌اندازهای بلندمدت توسعه نفت الجزایر چندان درخشان نیست. مطمئناً بدون حصول توافق مؤثر، اقدامات مخالفان اسلام‌گرای الجزایر به صورت مداوم ادامه خواهد داشت و دیر یا زود، تجهیزات و کارگران صنعت نفت، مورد حمله قرار خواهند گرفت. این مسئله به تنهایی برای ممانعت از توسعه صنعت نفت کشور کافی است، زیرا این برنامه‌ها به نحو قابل توجهی به ادامه فعالیت شرکت‌های خارجی در خاک الجزایر بستگی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که اگر در این مدت مذاکرات سیاسی به نتایج مشخصی نرسد، هدف تولید ۱/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۴ غیر قابل دسترسی است.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰ - الجزایر	
میلیون بشکه در روز	
حد اقل	۱/۴
متوسط	۱/۵
حداکثر	۱/۶

اندونزی

در اواخر سال ۱۹۹۸ برنامه خاصی برای توسعه تولید نفت در اندونزی تحت بررسی نبود. طی دهه ۱۹۹۰ تولید نفت اندونزی تقریباً در سطح ۱/۵ میلیون بشکه در روز (کمی بیشتر یا کمتر) ثابت بود.

بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که سیستم‌های مالی غیر شفاف این کشور (بویژه در مقایسه با سایر کشورهای تولیدکننده آسیایی) تولید را به صورت غیر قابل اجتنابی در اوایل دهه

با وجودی که تمام کشورهای اوپک برنامه‌های توسعه‌ای خود را برای نیمه اول دهه جاری منتشر کرده‌اند، موفقیت این برنامه‌ها در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. امکان تأمین مالی، ثبات سیاست‌های داخلی و تصمیمات خارجی، آینده این برنامه‌ها را رقم خواهد زد. در این بخش، ابتدا خلاصه‌ای از برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای مختلف اوپک، طی نیمه اول دهه جاری، ارائه و آنگاه در مورد احتمال به واقعیت پیوستن آنها اظهار نظر خواهد شد و پیش‌بینی‌هایی نیز تا سال ۲۰۱۰ انجام خواهد گرفت. برای هر یک از کشورهای عضو اوپک سه سناریوی مختلف افزایش ظرفیت تولید ارائه گردیده است. سناریوی حداقل، بر اساس پیش‌بینی حداکثر مشکلات توسعه بنا شده است، در حالی که سناریوی حداکثر معمولاً به صورت بلندپروازانه، بر اساس شرایط مطلوب سیاسی-اقتصادی بیان شده، ولی احتمال وقوع سناریوی حد متوسط بیشتر خواهد بود.

الجزایر

بر اساس اطلاعات Sonatrach (شرکت توسعه هیدروکربورهای تحت مالکیت دولت الجزایر)، تولید نفت خام الجزایر، بدون در نظر گرفتن مایعات گازی، در سال ۲۰۰۴ به ۱/۵ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت، که این رقم ۶۵۰ هزار بشکه بیش از تولید این کشور در سال ۱۹۹۸ (۸۵۰ هزار بشکه در روز) است. چنین افزایشی نیازمند سرمایه‌گذاری سنگینی (احتمالاً حدود ۱۰ میلیارد دلار) خواهد بود. این مبلغ احتمالاً از طریق عرضه کنندگان غربی اعتبارات و وام‌های بانکی و سرمایه‌گذاران اروپایی، وام‌هایی از بانک جهانی و همچنین بصورت اعتباراتی از بانک‌های غربی، بانک‌های خلیج فارس و بانک‌های تجاری ژاپنی تأمین خواهد شد.

مهم‌ترین کانون جغرافیایی توسعه نفت الجزایر در جنوب این کشور قرار دارد، که بصورت کاملاً مطمئنی از جنگ‌های داخلی میان سربازان دولتی و مخالفان دولت به دور است. با این حال، ظاهراً مخالفان دولت تمایلی به توسعه ذخایر نفتی الجزایر

○ در صورتی که اوپک نتواند فاصله تکنولوژیک خود را با جهان پیشرفته کاهش دهد، به تدریج اقتدار خود را از دست خواهد داد و از مزایای هزینه‌ای و ذخایر غنی خود طرفی نخواهد بست.

جاری کاهش خواهد داد و حتی ممکن است سقف آن را به یک میلیون بشکه در روز تقلیل دهد. عوامل منفی دیگری که بر توسعه صنعت نفت در اندونزی تأثیر می‌گذارد عبارتند از: رسیدن ظرفیت تولید مخازن نفتی به حداکثر آن، شرایط زمین‌شناختی بسیار پیچیده، و بحران کسری بودجه که ثبات مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری را تهدید می‌نماید.

در نتیجه با توجه به سطح مصرف داخلی در سال ۱۹۹۸ که در حدود ۹۰۰ هزار بشکه در روز بود احتمال دارد بین سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ اندونزی به نخستین کشور عضو اوپک تبدیل شود که نفت وارد می‌کند.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰-اندونزی	
میلیون بشکه در روز	
حداقل	۰/۹
متوسط	۱/۰
حداکثر	۱/۱

ایران

شرکت ملی نفت ایران (NIOC) به منظور افزایش ظرفیت تولید نفت کشور و رساندن سقف تولید به ۵ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۰ (نسبت به سطح تولید ۳/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۷) برنامه‌هایی در دست اقدام داشته است که تاکنون با اهداف تعیین شده فاصله زیادی دارد (در سال ۱۹۷۵ تولید نفت ایران به ۵/۵ میلیون بشکه در روز رسید که بالاترین سطح تولید در تاریخ نفت کشور بوده است).

به گفته معاون امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران، چنانچه ایران مایل باشد سهم ۱۴ درصدی خود را در اوپک حفظ نماید، نیاز دارد که ظرفیت تولید خود را به ۸/۴ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ افزایش دهد. با این حال، اعتقاد بر این است که با توجه به محدودیت‌های منابع مالی، احتمالاً تولید ۶ تا ۶/۵ میلیون بشکه در روز، هدف قابل حصول تری برای این کشور است و تولید ۸/۴ میلیون بشکه در روز از نظر فنی قابل دستیابی نخواهد بود.

به هر حال حتی برای رسیدن به محتمل‌ترین حالت (که ۶ میلیون بشکه در روز است)

سرمایه‌گذاری هنگفتی (احتمالاً حدود ۱۰/۲ میلیارد دلار) مورد نیاز است. برای جلب سرمایه، شرکت ملی نفت ایران، شرایط بسیار جذابی را به شرکای خارجی خود پیشنهاد نموده، که غالباً در قالب قراردادهای بیع متقابل از سال ۱۹۹۵ ارائه شده است.

تحت چنین شرایطی شرکتهای خارجی که درگیر توسعه منابع هیدروکربوری ایران شده‌اند، نه تنها سود سرمایه خود را (برای آنچه متعلق به آنهاست)، به دست خواهند آورد، بلکه با توجه به نفت و گاز استخراج شده از آن طرح نیز، سودی عاید آنها خواهد شد.

شرایط حاکم بر هر پروژه با توجه به موافقت‌های موردی تعیین می‌شود. تحریم داماتو در سال ۱۹۹۶ به روشنی موقعیت ایران را در عقد قرارداد با شرکتهای خارجی متزلزل نمود. در نتیجه، برخی از پروژه‌های موجود که در چارچوب قراردادهای بیع متقابل در دست اقدام بود در اواسط سال ۱۹۹۸ با پیشنهاد ۲۰ تا ۳۰ درصد نرخ بازگشت سرمایه برای شرکای خارجی موقعیت بسیار خوبی برای این شرکتهای موجود آورد.

با توجه به ذخایر بسیار غنی نفت و هزینه‌های بسیار پایین استخراج و سیاستهای تنش‌زدایی و تصمیمات سیاسی و اقتصادی عاقلانه، ایران مطمئناً خواهد توانست در سال ۲۰۱۰ روزانه ۶ میلیون بشکه، تولید داشته باشد.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰-ایران	
میلیون بشکه در روز	
حداقل	۶/۰
متوسط	۶/۵
حداکثر	۷/۰

عراق

در میان اعضای اوپک، عراق بلندپروازانه‌ترین برنامه توسعه نفت را دارد. در سال ۱۹۹۳ وزیر نفت عراق اسامه الهیتی (Osama Al Hiti) در مصاحبه با هفت‌نامه Petroleum Intelligence اظهار داشت که این کشور، با استفاده از توسعه همه‌جانبه حوزه‌های غنی و متوسط موجود به موازات اکتشافات جدید، به دنبال تولید ۶ میلیون بشکه نفت در روز می‌باشد (میزان تولید عراق در

○ الجزایر از نظر آغاز نمودن پروژه‌های جدید هیدروکربوری طی سالهای ۱۹۹۴-۹۶ پیش‌شور کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بود.

تولید نفت عراق تا سال ۲۰۰۵ بیش از ۳/۵ میلیون بشکه در روز نخواهد بود.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰-عراق	
میلیون بشکه در روز	
حداقل	۳/۰
متوسط	۳/۵
حداکثر	۴/۰

کویت

در سال ۱۹۹۵ مقامات رسمی وزارت نفت کویت اعلام داشتند که تولید نفت این شیخ نشین را تا سطح ۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ و ۳/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۵ (بدون در نظر گرفتن تولید از منطقه بیطرف) افزایش خواهند داد. در سال ۱۹۹۸ ظرفیت تولید بدون در نظر گرفتن تولید از حوزه‌های منطقه بیطرف، حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود.

برای حداکثرسازی درآمد حاصل از صادرات نفت، بیشترین تأکید بر افزایش ذخایر نفت سبک گذاشته شده است، بنابراین حوزه‌های، نجلا، مرآت، صابریه، میناجیش، و سرجلی اولین حوزه‌هایی هستند که برای این منظور، در نظر گرفته شده‌اند.

کویت برای افزایش ظرفیت تولید از ۲/۵ میلیون بشکه در روز به سطح روزانه ۳/۵ میلیون بشکه، به ۲/۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد که البته برای به دست آوردن آن با مشکل چندانی مواجه نخواهد بود. گذشته از این، با توجه به مازاد تراز تجاری این کشور (هرچند کاهش یافته است)، نیازی به استفاده از وام‌های تجاری و خدمات عرضه کنندگان اعتبار برای توسعه منابع این کشور وجود ندارد. با این حال، در درازمدت پرسش اصلی در زمینه توسعه نفت کویت این است که آیا این امیرنشین می‌تواند روش به شدت محافظه کارانه خود را دایره بر محدود نمودن همکاری شرکت‌های خارجی به قراردادهای خدمات فنی ادامه دهد یا بایستی اقدام به آزادسازی کند و از قراردادهای مشارکت در تولید استفاده نماید؟

شرکت دولتی نفت کویت مهم‌ترین حامی

سال ۱۹۸۰ برابر ۲/۷ میلیون بشکه در روز بود. الهیتی با توجه به اثرات اسفناک تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل (که در اواخر سال ۱۹۹۸ وارد نهمین سال خود شده بود)، زمان معینی را برای رسیدن به هدف تولید روزانه ۶ میلیون بشکه (که با توجه به گذشته، هدفی دور از دسترس بود) مشخص نمود.

تحریم‌های سازمان ملل اثرات بسیار فاجعه‌آمیزی بر کل صنعت نفت عراق بر جای گذاشته و نه تنها صادرات نفت عراق را محدود ساخته (به استثنای صادرات نسبتاً کم به اردن و مقادیر بیشتری تحت برنامه نفت در برابر غذای سازمان ملل)، بلکه از سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه ذخایر نفتی عراق جلوگیری کرده است.

در نتیجه، این تحریم‌ها از مهم‌ترین دلایلی است که هنوز سرانه تولید ناخالص داخلی عراق را در سطح ۳۰۰ دلار در سال ۱۹۹۸ (که تنها حدود ۱۰ درصد سال ۱۹۷۹ می‌باشد) نگه داشته است. چنانچه سرانجام تحریم‌ها برداشته شود احتمال می‌رود که برنامه توسعه نفت عراق نسبتاً سریع پیش رود (البته مشروط بر اینکه توافقاتی در زمینه جبران خسارت‌های وارد بر کویت در اثر جنگ خلیج فارس اتخاذ گردد).

نه تنها منابع نفت عراق غنی و مستلزم هزینه کمی برای استخراج است (جزو ارزاترین منابع جهان)، بلکه ساختار انعطاف‌پذیر اقتصاد عراق، به احتمال قریب به یقین، سیستم حکومتی عراق را به انعقاد قراردادهایی با شرکت‌های خارجی رهنمون خواهد ساخت. با این حال، تا اواخر سال ۱۹۹۸، هیچ نشانه‌ای حاکی از برداشته شدن تحریم‌ها وجود نداشت. در حالی که ویلیام کوهن، وزیر دفاع سابق ایالات متحده، غالباً هماهنگ با مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه پیشین این کشور از توضیح در این باره که آیا تحریم‌ها تا براندازی صدام حسین ادامه خواهد داشت یا خیر، خودداری می‌نمود، ناظران خلع سلاح سازمان ملل هیچ مدرک مستندی در مورد اینکه عراق تمامی سلاح‌های کشتار جمعی خود را نابود کرده باشد، در دست نداشتند و به ادامه تحریم‌ها اصرار می‌ورزیدند.

بنابراین، حتی تحت بهترین شرایط، ظرفیت

○ با توجه به سطح مصرف داخلی اندونزی در سال ۱۹۹۸ احتمال دارد که این کشور در فاصله سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ به نخستین کشور عضو اوپک تبدیل شود که نفت وارد می‌کند.

جمله شرکتهای کانادایی Occidental و PanCanadian، شرکت اتریشی OMV، شرکت اسپانیایی Repsol، شرکت نروژی Sage Petroleum و توتال فرانسه.

تا اواخر سال ۱۹۹۸، نشانه‌هایی حاکی از کاهش فشار تحریم داماتو دیده نمی‌شد، مگر مواردی مانند طفره رفتن یا تأخیرات طولانی در تصمیم‌گیری درباره عاقبت این تحریم‌ها (بویژه در مورد ایران).

با توجه به فشارهای شدیدی که ممکن است این تحریم‌ها اعمال نماید، مسلماً مشارکت شرکای خارجی در صنعت نفت لیبی کاهش می‌یابد ولی هرگز به صفر نخواهد رسید. این محدودیتها برای کشوری که به‌عنوان بزرگترین پتانسیل نفت آفریقا مطرح می‌باشد (بیش از ۵۰ درصد از نواحی نفت‌خیز آن هنوز در دست اکتشاف است)، کاربردی نخواهند داشت.

بویژه با توجه به این حقیقت که شرکت ملی نفت لیبی با استفاده از توافقات سخاوتمندانه، شرکت‌های نفت خارجی را به مشارکت جلب می‌نماید (از قبیل تضمین قراردادهای مشارکت در تولید یا سهم سخاوتمندانه ۱۵ به ۸۵)، محدودیت‌های ایجاد شده با شکست مواجه خواهد شد.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰- لیبی

میلیون بشکه در روز

حد اقل	۱/۸
متوسط	۲/۰
حد اکثر	۲/۲

نیجریه

نیجریه مسلماً مسئله‌دارترین تولیدکننده اویک است. با وجود ذخایر اثبات شده ۱۵/۵ میلیارد بشکه‌ای این کشور، تولید نیجریه به دلیل فساد شایع دولتی، بی‌ثباتی سیاسی و عدم اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی به میزان زیادی دچار نقصان گردیده است.

با توجه به ذخایر اثبات شده نیجریه، این کشور خواهد توانست ظرفیت تولید خود را از سطح ۲/۵ میلیون بشکه در روز در اواخر سال ۱۹۹۸

عقد قراردادهای مشارکت در تولید است که دلیل مهم آن اشتیاق این شرکت برای دستیابی به تکنولوژیهای جدید و روشهای مدرن مدیریت می‌باشد. این درخواست تا اواخر سال ۱۹۹۷ به وسیله حکومت خاندان الصباح رد می‌شد ولی در اوایل سال ۱۹۹۸ عقیده خاندان سلطنتی دستخوش تغییراتی شد که معنای آن سرعت یافتن توسعه نفت کویت، بویژه در دهه جاری، می‌باشد.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰- کویت

میلیون بشکه در روز

حد اقل	۳/۷
متوسط	۳/۹
حد اکثر	۴/۱

لیبی

شرکت ملی نفت لیبی برای افزایش ظرفیت تولید خود تا سال ۲۰۰۰ به روزانه ۱/۶۵ میلیون بشکه برنامه‌ای در دست اجرا دارد، که نشان‌دهنده ۲۰۰ هزار بشکه افزایش نسبت به سال ۱۹۹۸ می‌باشد. برای این منظور لیبی بایستی طی دوره ۱۹۹۷-۲۰۰۲ مبلغ ۵/۵ میلیارد دلار برای توسعه منابع هیدروکربوری خود سرمایه‌گذاری کند.

هدف شرکت ملی نفت لیبی در میادین نفتی خود (با ذخایر اثبات شده ۲۰ میلیارد بشکه نفت)، این است که تا سال ۲۰۰۵ به سطح تولید ۲ میلیون بشکه در روز دست یابد، که این امر از نظر فنی امکان‌پذیر است. در کل، این مسئله به تحریم سال ۱۹۹۶ داماتو (با توجه به مجازات بحث‌برانگیزی که برای شرکت‌هایی که هر سال ۴۰ میلیون دلار یا بیشتر در بخش هیدروکربوری این کشور سرمایه‌گذاری کنند، در نظر گرفته است) بستگی دارد.

با این قانون کراراً اتحادیه اروپا، بویژه فرانسه، مخالفت کرده‌اند، زیرا شرکت نفت فرانسوی ELF Aquitaine از شروع فعالیت خود برای حفاری حوزه‌های دریایی لیبی، منتفع خواهد شد.

دیگر شرکتهای غیر آمریکایی نیز با سرمایه‌گذاری در صنعت نفت لیبی (به صورت حقیقی یا بالقوه) خود را به مخاطره افکنده‌اند، از

○ با توجه به ذخایر بسیار غنی نفت و هزینه‌های بسیار پایین استخراج، و سیاستهای تنش‌زدایی و تصمیمات سیاسی و اقتصادی عاقلانه، ایران مطمئناً خواهد توانست در سال ۲۰۱۰ روزانه ۶ میلیون بشکه نفت تولید کند.

سرمایه‌گذاری نیاستی با مشکل خاصی روبرو باشد.

با وجود این، تولید نفت قطر در سال ۲۰۱۰ حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز خواهد بود که روزانه ۱۰۰ هزار بشکه کمتر از سطح تولید سال ۱۹۹۸ است و این یعنی قطر به عنوان کوچکترین عضو اوپک مطرح خواهد بود.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰- قطر	
حد اقل	۰/۴۰
متوسط	۰/۴۵
حداکثر	۰/۵۰

عربستان

عربستان برنامه‌هایش را برای افزایش ظرفیت تولید خود به ۱۲ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۸ (با توجه به ظرفیت ۱۰/۶ میلیون بشکه‌ای در سال ۱۹۹۸) بیان نموده است که چنین توسعه‌ای نیازمند ۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خواهد بود. اهداف اصلی عربستان شامل افزایش ظرفیت تولیدی حوزه شیبه به میزان نیم میلیون بشکه در روز و توسعه حوزه‌های نجد و ۷ حوزه کشف شده در اوایل دهه ۱۹۹۰ در نواحی مرکزی و جنوب ریاض، با نفت سبک و گوگرد کم و در مجموع با ظرفیتی حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز می‌باشد.

حتی با توجه به این واقعیت که عربستان دارای ظرفیت مازادی معادل ۲/۶ میلیون بشکه در روز می‌باشد، این برنامه‌های توسعه‌ای هنوز ناچیز می‌نماید که این خود، با توجه به سایر موارد، منعکس‌کننده محافظه‌کاری شدید خاندان سلطنتی سعودی و عدم تمایل آرامکو (شرکت نفت دولتی) به عدول از سیاستهای بلندمدت محدود کردن قراردادهای مشارکت خارجی به قراردادهای خدمات فنی می‌باشد. با این حال، عربستان برای نیل به هدف تولید ۱۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۸ مشکلی نخواهد داشت و نیل به این هدف، بدون استفاده از وام‌های تجاری یا سایر اعتبارات مقدور خواهد بود. حتی با متوسط قیمتی نزدیک ۱۵ دلار در هر بشکه در سال ۱۹۹۸، این کشور به

ارتقا دهد، بویژه اگر منابع قابل توجه این کشور در فلات قاره (که در آبهای عمیق خلیج گینه و دور از سواحل جنوبی این کشور قرار دارند) در نظر گرفته شوند. با این حال، چشم‌اندازهای میان‌مدت و بلندمدت توسعه نفت نیجر به زیاد روشن نیست و ادامه یافتن مناقشات نظامی، مهم‌ترین مانع می‌باشد.

ارتباطات ضعیف دولت با شرکت‌های نفتی خارجی باید در کنار این حقیقت در نظر گرفته شود که این کشور به سوی ورشکستگی سیاسی و اقتصادی سوق خواهد یافت، مگر اینکه نیجر به دوران جدید پس از آباچا بتواند چهره‌مهربان‌تر و مطلوب‌تری ارائه دهد و شرایط بهتری برای استفاده از ثروت نفتی قابل توجه کشور (که هنوز توسعه نیافته) و پتانسیل تولید (که با وقفه مواجه شده است)، به وجود آورد.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰- نیجر به	
حد اقل	۲/۵
متوسط	۲/۷
حداکثر	۲/۹

قطر

در ژوئیه ۱۹۹۶ وزیر انرژی و صنایع قطر، عبدالله بن حمد آل عطیه اعلام کرد که هدف قطر (نسبت به ظرفیت ۶۰۶ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۷) تولید ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز، در سال ۲۰۰۰ می‌باشد. با توجه به ذخایر اندک این شیخ‌نشین (حدود ۳/۷ میلیارد بشکه)، احتمال اینکه این سقف باز هم افزایش یابد، بعید به نظر می‌رسد.

در نتیجه، برآوردهایی که بیان می‌دارد تولید قطر در حدود سال‌های ۲۰۰۳ یا ۲۰۰۴ به حداکثر خواهد رسید و در حدود سال ۲۰۱۰ به سطح ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد یافت، قابل قبول‌تر است. این کشور به منظور دستیابی به هدف ۷۰۰ هزار بشکه تولید در سال ۲۰۰۰، نیازمند ۸۰۰ میلیون دلار تأمین مالی می‌باشد، که در پرتو همکاری‌های نسبتاً آزاد ارائه شده توسط دولت قطر، این

○ با وجود ذخایر اثبات شده ۱۵/۵ میلیارد بشکه‌ای نیجر به، تولید این کشور به دلیل فساد شایع دولتی، بی‌ثباتی سیاسی و عدم اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی به میزان زیادی دچار نقصان گردیده است.

مشارکت با شرکتهای خارجی، این امکان را که این کشور حتی به سطح تولید بالاتری نیز دست یابد افزایش می دهد. البته همیشه فرض می شود که شرایط بازار چنان جذاب خواهد بود که سرمایه گذاری را توجیه نماید.

راحتی می تواند در آمدی بیش از حد نیاز برای رسیدن به این هدف (پس از کسر هزینه های دولت) به دست آورد.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰ - عربستان سعودی

میلیون بشکه در روز

حداقل	۱۲/۰
متوسط	۱۲/۵
حداکثر	۱۳/۰

امارات متحده عربی

در سال ۱۹۹۸ ظرفیت تولید ثابت امارات متحده عربی حدود ۲/۹ میلیون بشکه در روز بود که از این ظرفیت حدود ۲/۶ میلیون بشکه در ابوظبی متمرکز بود. با توجه به برنامه های توسعه در دست اجرا (بیشتر در حوزه دریایی زقوم، کل ظرفیت تولید امارات متحده عربی تا سال ۲۰۰۰ به ۳/۳ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. بر اساس ذخایر اثبات شده عظیم این شیخ نشین (حدود ۹۸ میلیارد بشکه) رسیدن به سقف تولید ۴ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۷ کاملاً منطقی به نظر می رسد.

دید نسبتاً باز امارات متحده عربی در مورد همکاری با شرکتهای خارجی، یک شاخص کاملاً متفاوت نسبت به عربستان و کویت محسوب می شود. هر چهار شیخ نشین تولید کننده نفت (ابوظبی، دبی، شارجه و رأس الخیمه)، از قراردادهای مشارکت در تولید استفاده می کنند. این قرارداد برای هر پروژه خاص پس از انجام مذاکره تنظیم می شود و در ارتباط با دوره قرارداد، حق الامتیازها، سهم تولید، مالیاتها، تخفیفها و تضمین های لازم، شرایط خاص خود را دارد. معمولاً شرکتهای خارجی در ازای تأمین ۶۰ درصد از سرمایه مورد نیاز، ۶۰ درصد از تولید پروژه را به عنوان سهم اشتراک به خود اختصاص می دهند.

با توجه به ذخایر غنی نفت این کشور و نرخ های ریسک بسیار شگفت انگیز (در مقایسه با نرخ های خاور میانه)، امارات متحده عربی برای رسیدن به سطح تولید ثابت ۴ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۷ مشکلی نخواهد داشت. در همین حال رفتار نسبتاً سخاوتمندانه در مورد

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰ - امارات

متحده عربی

میلیون بشکه در روز

حداقل	۴/۲
متوسط	۴/۴
حداکثر	۴/۶

ونزوئلا

ونزوئلا ستاره در حال طلوع اوپیک است. در سال ۱۹۹۵، شرکت دولتی نفت ونزوئلا (PDVSA) از یک برنامه توسعه ۱۰ ساله برای افزایش ظرفیت تولید تا سقف ۶/۳ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۶ (از ۲/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۸) برده برداشت و آن را تشریح نمود. جدول زمانبندی این برنامه، با توجه به اینکه پیش بینی می شد ظرفیت تولید تا سال ۱۹۹۹، به چهار میلیون بشکه در روز برسد، ارائه شده است.

چشم اندازهای بسیار خوب برنامه های توسعه PDVSA نخستین و بهترین منعکس کننده ذخایر غنی ونزوئلاست. حدود ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده، بعلاوه ۲۷۰ میلیارد بشکه نفت بسیار سنگین با کیفیت پایین که در علفزارهای شمال رودخانه Orinoco واقع شده است، ذخایر نفتی ونزوئلا را تشکیل می دهد. نفت Orinoco که هزینه تولیدی معادل ۸ دلار در هر بشکه دارد، در اواسط سال ۱۹۹۷ کشف شد. گذشته از ذخایر غنی این کشور، PDVSA از ارتباطات مناسب با شرکتهای خارجی بهره می برد (با وجود رژیم مالی دشوار) و به همان اندازه از سطح تخصص های فنی رشک آمیز بهره مند است. ممکن است تهدیدات نظامی ایجاد شده توسط گروههای قاچاقچی مستقر در کشور همسایه (کلمبیا) که اخیراً افزایش یافته است، مشکلاتی در مورد امنیت توسعه نفت ونزوئلا ایجاد نماید. با این حال، چشم اندازهای

○ عربستان برای نیل به تولید ۱۲ میلیون بشکه نفت در روز در سال ۲۰۰۸ مشکلی نخواهد داشت و نیل به این هدف بدون استفاده از وامهای تجاری یا سایر اعتبارات برای این کشور مقدور خواهد بود.

آینده، بسیار درخشان است بویژه اگر اصلاحاتی که در حال انجام است بتواند به صورت مؤثری در اولین دهه هزاره جدید ادامه یابد.

سناریوهای ظرفیت تولید در ۲۰۱۰- و نزولاً

میلیون بشکه در روز

حد اقل	۶/۳
متوسط	۶/۵
حد اکثر	۶/۷

در يك جمع بندی با توجه به پیش بینی و ملاحظات انجام شده، احتمالاً تولید اوپک در سال ۲۰۱۰ حدود ۴۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود که در آن صورت اوپک حدود ۴۹ درصد از بازار جهانی را به خود اختصاص خواهد داد، یعنی سهم اوپک از بازار جهانی از ۴۲ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۴۹ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش می یابد. عبارتی علیرغم افزایش تولید غیر اوپک بر مبنای استفاده از تکنولوژی برتر و... باز هم اتکای جهانی به تولید اوپک روندی فزاینده خواهد داشت و نیاز بازار جهانی نفت به تولید این کشورها افزایش خواهد یافت.

پس اوپک سازمانی نیست که در حال فروپاشی باشد بلکه با توجه به نسبت بالای ذخایر به تولید کشورهای عضو اوپک و با اتکا به در اختیار داشتن حدود ۷۰ درصد ذخایر قابل بازیافت نفت جهانی، بازار انرژی بی تردید همچنان به اوپک وابسته خواهد بود.

در ادامه به منظور ترسیم قدرت اوپک در بازار جهانی نفت، شرایط حاکم بر این بازار طی دوران عمر اوپک بررسی شود.

شرایط حاکم بر بازار بین المللی نفت

پیش از دهه ۱۹۷۰

در این دوره قیمت های نفت خام در سطح بسیار پایینی قرار داشت. طی بیست سال (یعنی از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰) قیمت های نفت خام در خلیج فارس در سطحی بین ۱/۷۵ و ۱/۹۵ دلار برای هر بشکه تعیین شد.

با وجود قیمت های پایین نفت، افزایش شدید تولید نفت از مشخصات این دوره است. برای

ملاحظه قیمت های واقعی نفت لازم است تورم و نوسانات دلار را نیز در نظر بگیریم. مشاهده می شود که قیمت های واقعی نفت خام در دهه ۱۹۵۰ سالانه ۵/۲ درصد و در دهه ۱۹۶۰ سالانه ۴/۵ درصد کاهش یافته است. تولید نفت اوپک از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ از ۸/۷ میلیون بشکه در روز به ۲۳/۴ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. در این دوره زمانی، ساختار صنعت و بازار نفت به نحوی شکل گرفته بود که شرکتهای معظم نفتی فعالیت های مربوط به اکتشاف، استخراج، حمل و نقل، پالایش و بازاریابی نفت خام و فرآورده های نفتی را در کنترل خود داشتند. به بیان دیگر، شرکتهای بین المللی نفت در فعالیت های بالادستی و پایین دستی صنعت نفت حاکمیت غیر قابل انکاری داشتند.

در این دوره شرکتهای نفتی بین المللی نگران ملی شدن صنعت نفت در کشورهای صاحب نفت بودند و نسبت به حقوق مالکیت خود احساس عدم اطمینان می کردند، زیرا چشم انداز انتقال حقوق مالکیت به صاحبان اصلی آن، دور از انتظار نبود. از طرفی، قیمت های مورد انتظار برای نفت پایین بود. دلایلی را که انتظار کاهش قیمت های نفت در آینده را در آن هنگام ایجاد می کرد به شرح زیر می توان برشمرد:

۱- اکتشافات عمده ذخایر نفت که توسط شرکتهای مستقل نفتی در اواخر دهه ۱۹۵۰ صورت گرفت و بهره برداری و عرضه این ذخایر به بازار جهانی، منجر به مازاد عرضه نفت در دهه ۱۹۶۰ گردید.

۲- آمریکا (کشور عمده مصرف کننده نفت) در این دوره از نظر تولید نفت خود کفا بود.

۳- شرکتهای عمده نفتی در بازاری عمل می کردند که ساختار آن تا حدی رقابتی شده بود.

۴- افکار عمومی بنابر تجربیات گذشته، انتظار روندی نزولی را برای قیمت های نفت داشت و شرکتهای نفتی نیز این انتظارات را باور داشتند.

بطور خلاصه، در این دوره بویژه طی دهه ۱۹۶۰ با انتظارات موجود در مورد روند کاهنده قیمت نفت، تولید کنندگان به تولید هر چه زودتر و بیشتر نفت تمایل شدید نشان دادند.

در این شرایط، تمایل شرکتهای نفتی به افزایش تولید نفت بود که در واقعیت نیز چنین کردند. بنابر این قیمت های نفت در عمل در سطح پایینی قرار گرفت.

○ علیرغم افزایش تولید غیر اوپک بر مبنای استفاده از تکنولوژی برتر و... باز هم اتکای جهانی به تولید اوپک روندی فزاینده خواهد داشت و نیاز بازار جهانی نفت به تولید این سازمان افزایش خواهد یافت.

شرایط حاکم بر بازار بین‌المللی نفت

در دهه ۱۹۷۰

الف) تعدیل قیمت‌های نفت خام در سال ۱۹۷۳

قیمت‌های اعلام شده نفت خام بتدریج از بشکه‌ای ۲/۵۹ دلار در آغاز سال ۱۹۷۳ به ۱۱/۶۵۱ دلار در پایان همان سال افزایش یافت و موجب تحوّل بی‌سابقه در امر تجارت بین‌المللی نفت خام و قیمت انرژی گردید. در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ عوامل ذیل موجب تغییر در روابط حاکم بر بازار نفت گردید:

۱- رونق اقتصادی آمریکا در دهه ۱۹۷۰، موجب افزایش مصرف نفت در این کشور شد و با توجه به اینکه تولید نفت خود آمریکا در حد مورد نیاز نبود، واردات نفت خام این کشور نیز افزایش

- ۲- پیش‌بینی‌هایی حاکی از کمیابی نفت خام: تا اوایل سال ۱۹۷۳ مقالاتی که در نشریات معتبر ارائه می‌شد در بردارنده پیش‌بینی افزایش قیمت نفت خام بود. مقاله جیمز آکینس (James Akins) (از مقامات آمریکایی) که در آوریل ۱۹۷۳ انتشار یافت یکی از این موارد است.
- رشد مکتب نو مالتوسیسم و انتشار کتابهایی نظیر کتاب میدو (Meadow) در سال ۱۹۷۳ تحت عنوان محدودیتهایی برای رشد و انتظار کمیابی نفت خام در آینده.
 - در اوایل دهه ۱۹۷۰ اقتصاددانان منابع طبیعی گوشزد کردند که نحوه جاری بهره‌برداری و برداشت از ذخایر نفت، باعث افزایش شدید قیمت‌های نفت خام در آینده خواهد شد.
 - انتظار هزینه بالاتر تولید نفت در آینده.
 - در اوایل دهه ۱۹۷۰ انتظار افزایش قیمت‌های

○ اوپک سازمانی نیست که در حال فروپاشی باشد بلکه با توجه به نسبت بالای ذخایر به تولید کشورهای عضو این سازمان و با اتکا به در اختیار داشتن حدود ۷۰ درصد ذخایر قابل برداشت نفت جهانی، بازار انرژی بی‌تردید همچنان به اوپک وابسته خواهد بود.

جدول شماره ۶

سه سناریوی پیش‌بینی ظرفیت تولید اوپک در ۲۰۱۰

میلیون بشکه در روز

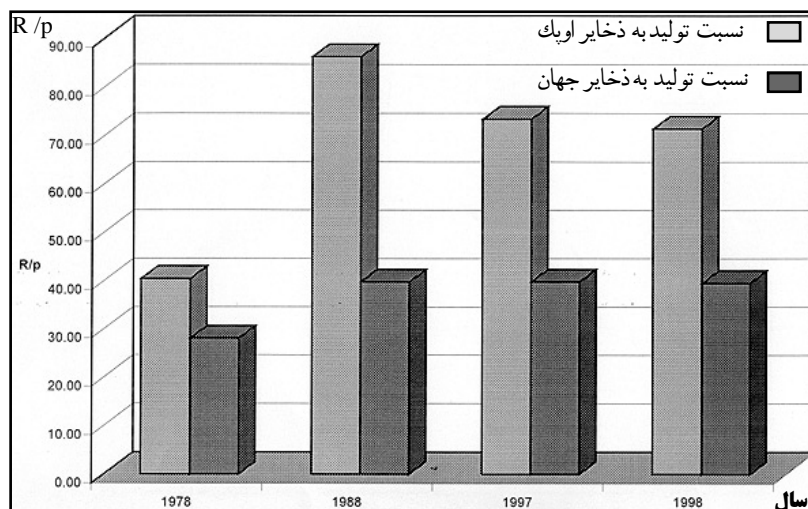
کشور	حداقل	متوسط	حداکثر
الجزایر	۱/۴	۱/۵	۱/۶
اندونزی	۰/۹	۱/۰	۱/۱
ایران	۶/۰	۶/۵	۷/۰
عراق	۳/۰	۳/۵	۴/۰
کویت	۳/۷	۳/۹	۱/۴
لیبی	۰/۸	۲/۰	۲/۲
نیجریه	۲/۵	۲/۷	۲/۹
قطر	۰/۴	۰/۴۵	۰/۵
عربستان	۱۲/۰	۱۲/۵	۱۳/۰
امارات متحده عربی	۴/۲	۴/۴	۴/۶
ونزوئلا	۶/۳	۶/۵	۶/۷
جمع	۴۲/۲	۴۴/۹۵	۴۷/۷

جدول شماره ۷

پیش‌بینی موازنه عرضه و تقاضای جهانی نفت تا سال ۲۰۱۰

میلیون بشکه در روز

کشور	حداقل	متوسط	حداکثر
تقاضای کل	۰/۹۶	۹۱/۷	۹۳/۸
تولید اوپک	۴۲/۲	۴۴/۹۵	۴۷/۷
تولید غیر اوپک	۴۷/۴	۴۶/۷۵	۴۶/۱
(سهم اوپک %)	۴۷/۱	۴۹	۵۰/۸



ب) تعدیل قیمت‌های نفت خام در سال ۱۹۷۹

طی سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ انتظارات موجود در مورد قیمت‌های نفت خام در حال تغییر بود که حوادث سیاسی دوباره به انتظار افزایش قیمت نفت دامن زد. در واقع قیمت نفت خام بین اکتبر ۱۹۷۸ و اکتبر ۱۹۸۱ تا ۱۶۸ درصد افزایش یافت. افزایش قیمت‌های نفت عمدتاً به دلیل پیش‌بینی کمبود نفت و عدم اطمینان از عرضه نفت بود. انقلاب اسلامی ایران و تهاجم عراق به ایران پیش‌زمینه این انتظارات را فراهم نمود. در سالهای ۸۰-۱۹۷۹ هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران قیمت‌های نفت از ۱۲ دلار به ۳۶ دلار و حتی قیمت‌های تک محموله به ۴۵ دلار در هر بشکه رسید.

شرایط حاکم بر بازار بین‌المللی نفت

در دهه ۱۹۸۰

سقوط شدید قیمت‌های نفت خام در سال ۱۹۸۶

از اواخر سال ۱۹۸۵ تا نیمه اول سال ۱۹۸۶ بهای متوسط نفت در بازار جهانی از ۲۸ دلار به کمتر از ۱۰ دلار سقوط کرد. طی دوره ۸۵-۱۹۸۱ نرخ تورم در بیشتر کشورهای صنعتی بالا بود و کنترل تورم در اولویت برنامه‌های اقتصادی آنها قرار گرفت. این برنامه‌های اقتصادی با سیاست انقباض پولی و کاهش عرضه پول عملی گردید. از سوی دیگر، اقدامات و تحولات زیر

نفت خام یک بیش‌مشارک و عمومی بود و عقیده غالب این بود که قیمت‌های نفت خام افزایش خواهد یافت.

● دامن زدن به انتظارات کمبود نفت و قیمت‌های بالای نفت، به نفع شرکتهای معظم نفتی بود چرا که آنها را قادر به جلب و جذب حمایت‌های مالی دولت‌های متبوع خود برای فعالیت در نواحی پرهزینه می‌ساخت.

همچنین در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در اثر حوادث سیاسی ذیل انتظارات افزایش قیمت‌های نفت خام نیز تشدید گردید:

● کانال سوئز در سال ۱۹۶۷ در بستر جنگ اعراب و اسرائیل بسته شد.

● عرضه نفت نیجریه به دلیل جنگ داخلی آن کشور در منطقه بیافرا، متوقف شد.

● انقلاب لیبی در سال ۱۹۶۹ رخ داد.

● خط لوله نفتی عربستان (Trans - Arabian Pipeline) به بندر صیدا بطور غیرمنتظره‌ای مسدود گردید.

● در اکتبر ۱۹۷۳ در بستر جنگ اعراب و اسرائیل اعراب نفت خود را بر حامیان اسرائیل تحریم کردند. از سوی دیگر، با تغییر حق مالکیت، مالکیت ذخایر نفت در این دوره بطور نسبی از شرکتهای بین‌المللی نفتی به شرکتهای ملی در خاورمیانه منتقل گردید. بدین معنی که در کشورهای خاورمیانه، شرکتهای نفتی دولتی حق تصمیم‌گیری درباره تولید نفت را به دست آوردند و چون مالکیت دولتی طبعاً با افق دید وسیعتری نسبت به ذخایر همراه می‌باشد، این مسئله به انتظار افزایش قیمت‌های نفت دامن زد.

○ کشورهای صنعتی برای محدود ساختن تقاضای نفت خام خود با وضع مالیات بر فرآورده‌های نفتی و نفت خام اجازه نمی‌دهند که کاهش بهای نفت به مصرف‌کنندگان نهایی منتقل شود و باعث افزایش تقاضای نفت گردد.

شرایط حاکم بر بازار در دهه ۱۹۹۰

سقوط شدید قیمت‌های نفت خام در سال

۱۹۹۸

ضعف بازارهای جهانی نفت با شرایط خاص دهه ۱۹۸۰، همچنان در دهه ۱۹۹۰ با ادامه اقدامات و تحولات گذشته تداوم یافت:

- صرفه‌جویی در مصرف نفت؛
- استفاده کارا از نفت؛
- استفاده از منابع مختلف انرژی (انرژیهای جایگزین نفت)؛

- کاهش شدت مصرف نفت؛
- کاهش هزینه‌های تولید نفت در کشورهای غیر اوپک؛

- ظهور تعداد زیادی از تولیدکنندگان غیر اوپک با قدرت چشمگیر در بازار نفت؛
- رشد آهسته تقاضا برای نفت و توجه به

مسائل زیست‌محیطی؛

- افزایش خریدهای تک‌محموله در مقابل خریدهای قراردادی؛
- توجه بیشتر به توسعه بازار آتی؛

- وجود بازار خریداران: شرکتهای نفتی با تجارت از طریق بازار تک‌محموله‌ای، نفوذ بیشتری بر قیمت‌ها اعمال کردند و در مبارزه‌ای که بین شرکتهای عمده نفتی و کشورهای صادرکننده نفت بر سر قیمت‌ها در جریان بود، شرکتهای تدریج از موضع برتری برخوردار گردیدند؛

- اقدامات عملی و تبلیغی به منظور تضعیف اوپک؛

- سیاستهای مؤثر و آگاهانه کشورهای صنعتی

انتظار کاهش قیمت نفت را به همراه داشت:

- افزایش سرمایه‌گذاری در انرژیهای جایگزین نفت؛

- پیشرفت و توسعه تکنولوژی مورد نیاز در توسعه حوزه‌های نفتی؛

- کاهش هزینه‌های تولید نفت در کشورهای غیر اوپک در نتیجه توسعه تکنولوژی حفاری‌های افقی، لرزه‌نگاری سه‌بعدی و افزایش کارایی؛

- افزایش قابل ملاحظه تولید نفت کشورهای مستقل؛

- برآورد طول عمر ذخایر نفت جهان در حدی بسیار بیشتر از پیش‌بینی‌های قبلی (گذر از دیدگاه کمیابی به نظریه مازاد عرضه)؛

- بازار تک‌محموله و وجود بازارهای آتی در تجارت نفت؛

- حاکمیت بازار خریداران به جای بازار فروشندگان در بازار نفت؛

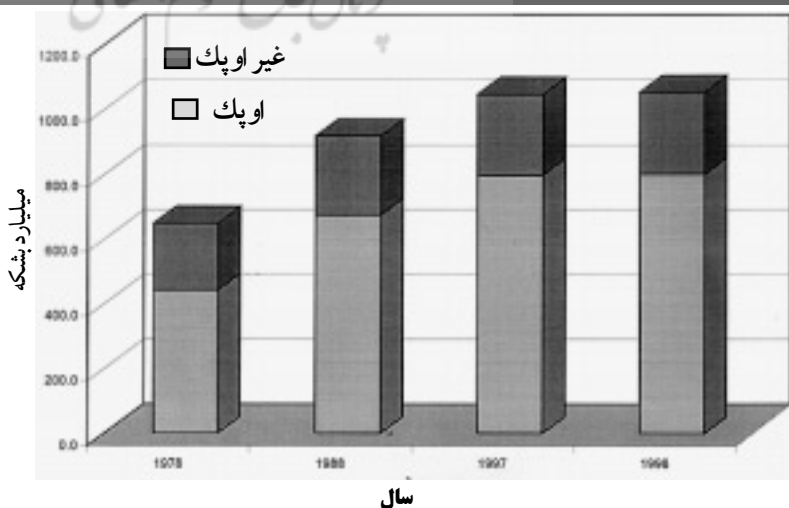
- تقاضای نفت شدیداً در حال کاهش بود و کاهش آشکاری در نسبت مصرف نفت به تولید ناخالص ملی نمایان می‌شد.

بدیهی است در چنین شرایطی که کاهش قیمت‌های نفت خام دور از انتظار نبود انتظار قیمت‌های پایین نفت به تمایل شدید تولیدکنندگان به افزایش تولید منجر گردید.

در این شرایط، با ایجاد تمایل به افزایش عرضه در بین تولیدکنندگان نفت و با توجه به نیاز شدید مالی و ارزی بیشتر کشورهای تولیدکننده نفت، تولید نفت بطور رقابت‌آمیزی افزایش یافت و به سقوط قیمت‌های نفت در سال ۱۹۸۶ منتهی گردید.

○ به نظر می‌رسد انتظارات بازار در مورد قیمت نفت خام، عامل عمده و اساسی در تغییرات رفتار عرضه و نهایتاً تغییرات رفتار واقعی قیمت نفت باشد.

نمودار شماره ۵: ذخائر اثبات شده نفت



و آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) شامل:

الف) کشورهای صنعتی به‌منظور محدود ساختن مصرف نفت خام سیاست‌هایی اتخاذ نمودند. برای نمونه با وضع مالیات بر فرآورده‌های نفتی و نفت خام اجازه نمی‌دهند که کاهش بهای نفت خام به مصرف‌کنندگان نهایی منتقل شود و باعث افزایش تقاضای نفت گردد.

ب) کشورهای صنعتی در زمینه تبلیغاتی نیز از طریق انتشار اخبار نادرست در مقاطع مختلف زمانی، برای تضعیف بازار نفت اقدام نموده‌اند. در سال ۱۹۹۸ غالب خبرها و تحلیلهای درست و نادرست به گونه‌ای جهت‌گیری شده بود که از مزاد عرضه نفت و کاهش قیمت‌ها خبر می‌داد.

● رکود حاکم بر اقتصاد کشورهای آسیای جنوب شرقی.

شرایط بازار طی دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۹

سقوط شدید قیمت‌های جهانی نفت و متعاقب آن، افت درآمد ارزی کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک، کشورهای عمده تولیدکننده عضو این سازمان و سایر کشورهای تولیدکننده در حال توسعه را بر آن داشت تا به توافقی برای رهایی از بحران دست یابند.

هنگامی که اوپک اعلام نمود به توافقی برای کاهش تولید به میزان حداقل ۱/۵ میلیون بشکه در روز دست یافته است قیمت‌ها شروع به افزایش نمود. بازار جهانی نفت در این انتظار به سر می‌برد که در اجلاس آتی اوپک، توافقنامه‌ای برای کاهش حتی بیشتر تولید به تصویب برسد. این مهم، پس از

توافق تولیدکنندگان بزرگ این سازمان و مکزیك در اجلاس اوپک حاصل شد و در نتیجه انتظار بازار در مورد کاهش تولید بیش از آنچه تصور می‌شد، برآورده گردید و همین یکی از مهمترین دلایل رشد سریع قیمت‌ها شد.

برطرف شدن تقریبی مشکلات مالی کشورهای آسیای جنوب شرقی نیز باعث افزایش تقاضای نفت شد که دلیل دیگری برای افزایش قیمت‌های جهانی گردید.

دلایل افزایش قیمت‌ها را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۱. توافق اوپک برای کاهش تولید؛
۲. افزایش تقاضای بنزین در آمریکا و اروپا؛
۳. آشکار شدن طلیعه رفع مشکلات اقتصادی آسیای جنوب شرقی؛
۴. کاهش حجم ذخایر تجاری و استراتژیک جهانی.

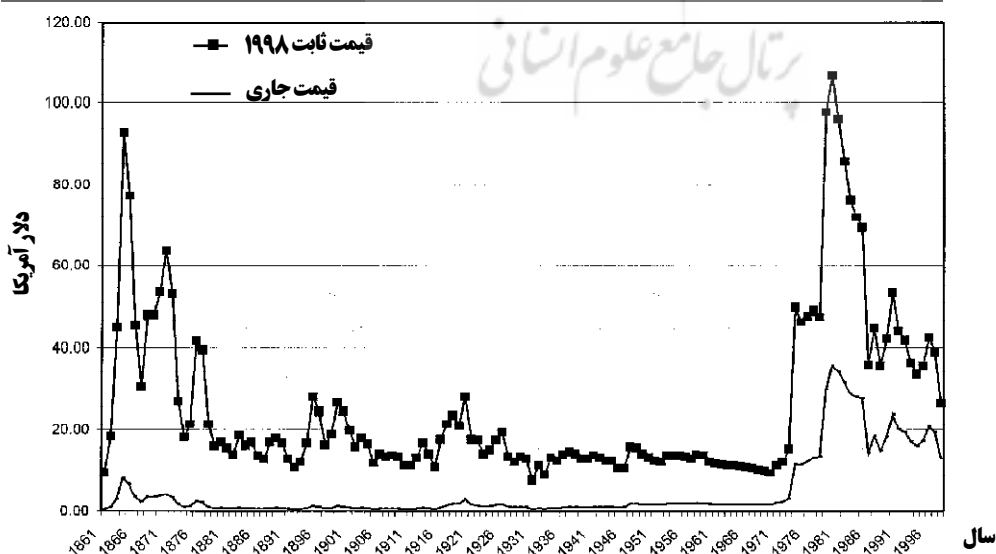
بازار جهانی نفت در آستانه هزاره جدید

پس از توافق اوپک در زمینه کاهش سقف تولید و افزایش سریع و کم سابقه قیمت‌های جهانی نفت، کشورهای اوپک تحت فشار شدید و بی سابقه‌ای برای افزایش سقف تولید خود قرار گرفتند. مقامات رسمی آمریکا، درخواست افزایش سقف تولید را به میزان ۲ میلیون بشکه نمودند و بر این امر اصرار ورزیدند.

این فشارها و نیاز بازار جهانی به عرضه بیشتر نفت خام، بخصوص در آستانه اجلاس ۱۰۹ اوپک در مارس ۲۰۰۰، سبب شد که اکثر اعضا با افزایش

○ اگر اوپک بخواهد قیمت نفت را در سطح مطلوبی نگه دارد باید با هماهنگی بیشتری عمل کند و با اقدامات خود و تحلیلهای واقعی، انتظار افزایش قیمت‌ها را در بازار جهانی نفت ایجاد کند.

نمودار شماره ۶: بررسی روند تغییرات قیمت نفت خام



تولید موافقت نمایند، هر چند در مورد سقف افزایش به اتفاق نظر نرسیدند (از ۱/۲ تا ۱/۷ میلیون بشکه در روز). اختلاف به وجود آمده در مورد میزان افزایش تولید، سبب به تفاهم نرسیدن اوپک در صدور قطعنامه مشترک گردید و حتی مهم ترین دستاورد این نشست یعنی تعیین محدوده قیمت ۲۲ تا ۲۸ دلار برای سبب نفتی اوپک در قطعنامه ثبت نشد.

پس از این تصمیم و ادامه یافتن روند افزایش قیمت ها و بر آورده نشدن نظر کشورهای عمده مصرف کننده، فشار بر اعضا برای افزایش سقف تولید ادامه یافت تا جایی که در اجلاس ژوئن سال جاری، این سازمان باز هم با افزایش سقف تولید به میزان ۷۰۸ هزار بشکه موافقت نمود.

جمع بندی و نتیجه گیری

تاکنون انتظارات، نقش مهمی در نوسانات قیمت نفت خام داشته است. به نظر می رسد که انتظارات در مورد قیمت نفت خام عامل عمده و اساسی در تغییرات رفتار عرضه و نهایتاً تغییرات رفتار واقعی قیمت نفت بوده است.

با شناخت عوامل مؤثر بر این انتظارات می توان نبض بازار نفت و امکانات مختلف آن را، نه تنها در مقطع معینی از زمان، بلکه در زمانهای مختلف به صورتی پایدار و مستمر در دست داشت. اگر اوپک بخواهد قیمت نفت را در سطح مطلوبی نگه دارد لازم است با هماهنگی بیشتری عمل کند و با اقدامات خود و تحلیلهای واقعی، انتظار افزایش قیمت ها را در بازار جهانی نفت ایجاد نماید و از انتشار اخبار و تحلیلهایی که موجب به وجود آمدن انتظار سقوط قیمت های نفت در آینده می شود، جلوگیری کند.

برای تقویت بازار نفت ضروری است که تصمیم گیری در امر تولید نفت، بطور کامل در اختیار کشورهای تولیدکننده نفت باقی بماند و به شرکت های بین المللی نفتی واگذار نگردد. کشورهای تولیدکننده نفت، بایستی حتی الامکان از قرار دادهای و سوسه انگیز مشارکت در تولید، پرهیز کنند و زمام تولید را خود در اختیار داشته باشند.

اعضای اوپک بایستی با بررسی دقیق و بر آورد تقاضای حال و آینده بازار و پیش بینی تولید کشورهای غیر اوپک، تولید خود را به نحوی سازمان دهند که از نوسان شدید و غیر منطقی

قیمت های نفت در طول زمان جلوگیری شود و در آمد ارزی نسبتاً باثباتی را برای خود تضمین نمایند. در این راستا بایستی با هماهنگی کامل و به دور از جوسازی دیگر کشورها، بویژه کشورهای عمده مصرف کننده نفت جهان به منافع بلندمدت خود بیندیشند و در کنار منافع خود، تقاضای جهانی را به نحو مقتضی و مطمئنی پاسخگو باشند. یکی از مهمترین دستاوردهای اجلاس ۱۰۹ اوپک، تعیین محدوده قیمت سبب نفتی اوپک بود. چنانچه این موضوع به عنوان یکی از قطعنامه های این سازمان، مستند و لازم الاجرا شود، سمت و سوی نگاه بازار از بورس بازان بازاری نفتی، به تصمیمات اوپک جلب خواهد شد که موجب می شود اوپک دوباره اهمیت و اقتدار دهه ۱۹۷۰ خود را بازیابد.

یکی از مهمترین چالش های فراروی اوپک، پیشرفت بسیار سریع تکنولوژی و کاهش هزینه های تولید در کشورهای غیر اوپک و استفاده از ذخایری است که سالیان سال غیر اقتصادی بوده است. برخی بر آوردها نشان می دهد که تنها ذخایر نفت غیر متعارف آمریکای شمالی (Tar Sand) چیزی بیش از ۶ برابر کل ذخایر اثبات شده جهانی نفت خام است. پس در صورتی که با پیشرفت بیشتر تکنولوژی، استفاده از این ذخایر غنی، اقتصادی شود، دیگر جایی برای عرض اندام اوپک باقی نخواهد ماند. پس کشورهای عضو اوپک بایستی باتمام توان و امکانات خود به دنبال کسب تکنولوژی برتر دنیا باشند و این امر را به مثابه منافع ملی خود بنگرند و با آموزش نیروی انسانی متخصص، فاصله بعید خود را با کشورهای پیشرفته جهان کم کنند، زیرا در غیر این صورت، بی تردید در حاشیه قرار خواهند گرفت.

منابع و مأخذ:

1. Peter Enav, "Oil Markets to 2010, The Impact of Non - Opec Production", **Financial Times Energy**, 1998.
2. **BP Amoco Statistical Review of World Energy**, 1998.
3. **Global Energy Demand: The Challenge for Oil and Gas Technology**, 5th European Oil and Gas Symposium: "The strategic importance of oil and gas technology" 26 Nov 1996, Robert Priddle Executive Director International Energy Agency.
4. **Global Offshore Oil Prospects to 2000**, November 1996, Order code 61 96 15 1, ISBN 92-64-14886-8.
5. «مبانی نظری نوسانات قیمت نفت خام و رسالت اوپک»، اقتصاد انرژی، شماره ۵ (بهر ماه ۱۳۷۸)، صص ۱۷-۱۵.

○ یکی از مهم ترین چالش های فراروی اوپک، پیشرفت بسیار سریع تکنولوژی و کاهش هزینه های تولید نفت در کشورهای غیر اوپک و استفاده آنها از ذخایری است که سالیان سال غیر اقتصادی بوده است.